

مصاحبه با مجید رستگار دیر هنر شیراز

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

با توجه به اینکه شما در حوزه خط و نقاشی و خط و نقوش سنتی فعالیت دارید، تجربیاتتان را در این زمینه برای ما بیان فرمایید.

من متولد ۲۸ دی ماه، سال ۱۳۵۴، هستم و در حوالی میدان توپخانه تهران و امام خمینی (ره) فعلی به دنیا آمدم. شش ساله بودم که با خانواده‌ام به شیراز رفتیم، بنابراین بزرگ شده آنجا هستم. البته اصالتاً هم شیرازی هستیم؛ چون پدرم نظامی بود به تهران آمده بودند و من در تهران متولد شدم. ما در شیراز، در محله تل پروس (که نام جدیدش میدان ۱۲ فروردین است) زندگی می‌کردیم. من فرزند دوم خانواده هستم و ۴ برادر و ۲ خواهر دارم. خواهران و برادرانم نیز علاوه بر تحصیلاتی که دارند به کارهای هنری نیز علاقه‌مند هستند.

من در دوره ابتدایی در مدرسه شریف‌الحسینی شیراز تحصیل کردم. در آن مدرسه، زمانی که کلاس سوم ابتدایی بودم، معلمی به نام آقای چالاکی داشتم که در خط استاد بود. ایشان سر کلاس خوشنویسی انجام می‌داد و من آنجا بودم که با خوشنویسی آشنا و به آن علاقه‌مند شدم. تا قبل از آن فقط با نقاشی آشنا بودم. وقتی برای اولین بار قلم و مرکب را در دست معلم دیدم به خانه آمدم و به پدرم گفتم که برایم قلم و دوات تهیه کند. بعد پدر و برادر بزرگم با قلم و مرکب برایم سرمشق می‌نوشتند. این‌ها در سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۳ رخ داد و من کلاس خوشنویسی را در تابستان همان سال‌ها بعد از پایه سوم ابتدایی نزد استاد عزیزم جناب قاضی آغاز کردم. ایشان متواضع و بااخلاق بودند و مرا به خوشنویسی علاقه‌مندتر کردند.

اولین سرمشقتان چه بود؟

یادم نمی‌آید دقیقاً چه بود، اما این را یاد دارم که ۲ دفتر ۴۰ برگ را با اولین سرمشقی که استادم به من داد پر کردم و جلسه دوم سر کلاس بردم. آن زمان حس خیلی خوبی داشتم؛ مانند کسی که گمشده‌اش را یافته است به خوشنویسی علاقه‌مند شده بودم.



دست هنرمند



آقای قاضی، استادان چه ویژگی‌هایی داشت؟

انسانی وارسته، باخلاق، مؤمن و متدین بودند. خودشان شاگرد یکی از استادان قدیم شیراز به نام استاد مهاجر بودند که هر دو این عزیزان، دستی در خط نستعلیق و ثلث دارند. کارهایی که آقای قاضی اکنون انجام می‌دهند نیز در نمایشگاه سعدی برپاست. کتابت‌های ایشان بسیار استادانه و با فضاسازی‌های خوب است. در کل خط آقای قاضی حال و هوای خاصی دارد و بسیار پخته و شیرین می‌نویسند.

دیدار استادان
برجسته، وقتی
به شیراز سفر
می‌کردند و یا
من به تهران
می‌آمدم و ایشان
را می‌دیدم،
علاقه‌مندی‌های
خاصی در من
ایجاد می‌کرد

به هر حال، کلاس سوم ابتدایی که گذشت دیگر به‌صورت مداوم خوشنویسی می‌کردم، به‌طوری که چند سال بعد، در مسابقاتی که آموزش و پرورش می‌گذاشت در سطح استانی و کشوری مقام می‌آوردم. به جایی رسیدم که از دوره راهنمایی در کانون‌های آموزش و پرورش آموزش خط می‌دادم و قبل از اینکه دیپلم بگیرم مدرک ممتازم را از انجمن خوشنویسان در سال ۷۵-۷۶ گرفتم. من خط شکسته را خدمت استاد معین‌خواه و بعد خدمت استاد ملک‌زاده فرا گرفتم. تا زمانی که استاد ملک‌زاده شیراز بودند افتخار این را داشتم که از شاگردانشان باشم. بعدها نستعلیق را بیشتر ادامه دادم و ۵-۶ سالی است که شکسته را نیز مجدداً دنبال می‌کنم.

چه‌طور شد که در زمینه شغلی دبیر هنر شدید؟

کنکور دادم و در رشته هنرهای تجسمی در دانشگاه تربیت معلم شیراز قبول شدم و هم‌زمان تدریس هم می‌کردم.

استادان تربیت‌معلم چه کسانی بودند؟

از استادان تذهیب‌کار و نگارگری‌مان استاد شیروانی و استاد حسن موریزی بودند. من خودم ورودی سال ۷۴-۷۵ تربیت معلم هستم و آن زمان دست‌مایه‌ای از خوشنویسی داشتم. در خوشنویسی آقای مقتدایی و استاد مروج مدرس آنجا بودند. دو ترم را نیز هم‌زمان با تحصیل تدریس می‌کردم.

وقتی کارها صرفاً
هنری نباشد و
در زیباسازی
شهر و ... کاربرد
داشته باشد
سفارش‌هایی در
این اشکال به ما
داده می‌شود



از خاطرات خوب خوشنویسی تان بگویید.

من همیشه هنگامی که خط اساتید خوشنویسی را در نمایشگاه‌ها می‌دیدم، به ذوق می‌آمدم و به خانه که می‌آمدم ساعت‌ها مشق می‌کردم. دیدار استادان برجسته، وقتی به شیراز سفر می‌کردند و یا من به تهران می‌آمدم و ایشان را می‌دیدم، علاقه‌مندی‌های خاصی در من ایجاد می‌کرد. خاطره ویژه‌ای که دارم، سال‌های ۷۶-۷۵ مراسم اختتامیه خوشنویسی جهان اسلام بود و من به تهران آمده بودم. اساتید بزرگی را از نزدیک دیدم و آثار زیبایی آنان را در موزه هنرهای معاصر مشاهده کردم. این اتفاق خیلی روی من اثر گذاشت تا به صورت حرفه‌ای‌تر کارم را ادامه دهم و نمایشگاه‌هایی بگذارم.

بعد از فارغ‌التحصیلی معلمی را کجا آغاز کردید؟

در مردودت که ۴۰-۵۰ کیلومتر با شیراز فاصله دارد؛ و دبیری هنر را آغاز کردم.

تجربه تدریس چه طور بود؟

من در مدارس خوبی که امکانات و کادر بهتر داشته است در هر ناحیه تدریس کرده‌ام، اما همیشه «نگاه کم‌اهمیت دیدن هنر» نسبت به سایر رشته‌ها متأسفانه وجود داشته و حتی امروز هم رشته هنر در حاشیه قرار دارد. اما سعی من همیشه آن بوده که در محدوده خودم تأثیرگذار باشم و این تفکر را اصلاح کنم. در این ۲۰ سال تدریس، حتماً خط درشت آموزش می‌دهم و با قلم و مرکب به صورت اصولی با بچه‌ها کار می‌کنم. فیلم‌های آموزشی برای بچه‌ها می‌گذارم و در خانه هم دانش‌آموزان امکان این را دارند که از طریق فضاهای مجازی فیلم‌ها را ببینند و یادگیری‌شان تکمیل شود. همیشه سعی دارم که در مباحث هنری چه خوشنویسی و چه نقاشی به‌روز باشم و مطالب جذاب را بیان کنم.

مثلاً در مبحث نقاشی، با مطرح کردن انیمیشن‌سازی و کارتون، بچه‌ها را علاقه‌مند می‌کنم و در این قالب اصول طراحی و سایه‌روشن را به بچه‌ها می‌آموزم.

خط شما بر آید چیست؟

من در آموزش‌های اولیه‌ای که داشتم برای نظام‌مند کردن خط، به شیوه استاد امیرخانی پیش می‌رفتم. البته مطالعاتی هم در زمینه خطوط استادان دیگر و قدما داشتم و آنچه را که می‌توانستم در خط نستعلیق پیاده کردم. در خط شکسته، من شاکله حروف را از خط قدما گرفتم و فضا‌سازی‌ها را از معاصرین.

در مورد آثار تان بگویید.

من از سال ۱۳۸۰ تا امروز نمایشگاه انفرادی داشته‌ام و تاکنون حدود ۱۷ نمایشگاه انفرادی در ایران و خارج از کشور در جاهایی نظیر فرانسه، مالزی، دبی و ... به مرور برگزار کرده‌ام. نمایشگاه‌های گروهی هم داشته‌ام و رتبه‌هایی در رشته نقاشی، المان‌های شهری و معماری و خوشنویسی به‌دست آورده‌ام.

در مورد تکنیک‌هایی که در رنگ و حروف و ... استفاده کردید برای آشنایی بیشتر دبیران جوان هنر، توضیح دهید.

وقتی کارها صرفاً هنری نباشد و در زیباسازی شهر و ... کاربرد داشته باشد سفارش‌هایی در این اشکال به ما داده می‌شود. کارهای نقش‌بسته در سراسر شهر با فلز و مواد دیگر از روی ماکت ساخته می‌شود. حتی کتیبه‌های نقش برجسته در مساجد کاربرد زیادی دارد. این کارها علاوه بر جنبه هنری، صنعتی هم هستند. از شهرهای دیگر مانند مشهد و قم و تهران در این زمینه سفارش‌هایی داده می‌شود.

اشاره‌ای هم به کتاب‌های تان بفرمایید.

کتاب خط تحریر، کتاب آموزش کاریکاتور، مقالاتی در مجله کلک (که بعداً نام آن به بخارا تغییر یافت)، ۳۰ قسمت فیلم آموزش خوشنویسی و نقاشی خط.

شما به خط شکسته نیز نگاه متفاوتی دارید و خط شکسته تان با شکسته‌های روزگار فعلی متفاوت است. در این باره نظر تان را بگویید.

من چون رشته هنر خوانده‌ام که شامل گرافیک و هنرهای تجسمی و ... است شاید در چیدمان حروف در خط شکسته متفاوت عمل کرده باشم. در واقع خط شکسته قدما نزدیکی‌هایی به نستعلیق دارد. من

در دوره‌هایی
که خوشنویسی
می‌آموختم
هیچ وقت قانع به
کارهایم نبودم و
همیشه درصدد
آن بودم که از
آنچه هستم بهتر
شوم و فراتر از
آن یاد بگیرم

نیز این شیوه را بیشتر دنبال کردم و از نظر اصولی کردن شکسته و دقت به کار رفتن عناصر آن به این شیوه علاقه‌مندتر هستم. در شکسته معاصر این قاعده‌مندی کمتر اعمال می‌شود. فضا سازی‌هایی در خط شکسته وجود دارد که تنوع آن را می‌رساند. در کل، من با شکسته‌نویسی به این روش، می‌خواهم بگویم که می‌توان شکسته‌قدم را با نگاهی گرافیکی‌تر به این شکل درآورد.

ما می‌توانیم از فضای گذشته به امروز حرکت کنیم و به اصطلاح «فرزند زمان خویشتن» شویم. یک فرد سنتی کار، باید در مورد مبانی هنرهای تجسمی اطلاعاتی داشته باشد. در این صورت است که با رشد سواد هنری، تأثیرگذاری مثبتی در آثار را شاهد خواهیم بود.

مراحل هنری تان در این چند سال را نام ببرید.

در دوره‌هایی که خوشنویسی می‌آموختم هیچ وقت قانع به کارهایم نبودم و همیشه درصدد آن بودم که از آنچه هستم بهتر شوم و فراتر از آن یاد بگیرم. بعد از دوره ممتاز و فوق ممتاز، درجه استادی را در خط نستعلیق، در انجمن خوشنویسان ایران، دریافت کردم. در چند سال اخیر روی خط سنتی تمرکز بیشتری دارم و چند روزی در ماه را نیز به نقاشی - خط و سفارش‌های کاری می‌پردازم. دو سه روز در هفته را نیز به خط شکسته مشغول هستم. در کل من سعی می‌کنم کارهایم روز به روز متفاوت‌تر و بهتر از گذشته شود. در خط شکسته به کارهای میرزا غلامرضا اصفهانی توجه دارم. به نظرم برای چیره‌دستی و فرزوی و چابکی در خط نستعلیق، ضروری است که مانند میرزا غلامرضا شکسته‌نویس هم باشیم. توفیق در نستعلیق مستلزم شکسته‌نویسی است. زیرا خط شکسته به ما مهارتی می‌دهد که بر سرعت عملمان می‌افزاید و در بداهه‌نویسی ما را یاری می‌کند.

به نظر شما شکسته با نستعلیق دچار تناقض نیست؛ از نظر آرامش و حوصله لازم برای نستعلیق؟

این دو خط به همین دلایل، در یک وعده کاری نباید نوشته شوند. باید خطاط همواره مکثی بین نوشتن این دو خط داشته باشد. آن رهایی و آزادی که در شکسته‌نویسی وجود دارد در نستعلیق مفید نخواهد بود.

به نظر شما نقاشی - خط، خط را خراب نمی‌کند؟

من همیشه برای هنرجویانم توضیح می‌دهم که در ابتدا به اساس کار، یعنی خط بپردازند و آن را به خوبی دنبال کنند و به جای درستی برسانند تا بعد که وارد نقاشی - خط شدند کار بی‌عیب و نقص‌تری ارائه دهند. اما اگر ساعت‌ها برای نقاشی - خط به دور از تمرین خط سنتی وقت گذاشته شود، طبیعتاً روی زیبایی کار اثر منفی گذاشته خواهد شد. البته اگر کسی با تمرین زیادی به سراغ نقاشی - خط بیاید می‌تواند تعادلی بین خط و نقاشی - خط برقرار کند. بعضی از هنرمندان نقاشی - خط کمتر از خط نستعلیق استفاده می‌کنند و خطوط دیگری را با نقاشی ترکیب می‌کنند. این خطوط معمولاً شکستگی‌هایی دارند و از خط ثلث الهام گرفته‌اند و دارای زبان بصری قوی هستند و شش دانگ قلم در نوشتن آن‌ها به کار می‌آید.

امروزه نقاشی - خط گستره وسیع‌تری پیدا کرده و به سمت هنر نقاشی سوق داده شده است. در خارج از کشور هم این سبک طرفداران قابل توجهی دارد، چون در آن نگاه بازتری به نقاشی می‌شود. در این گونه کارها، چند کلمه و حروف آنچنان با فرم و رنگ و ... عجین شده است که آثار زیبایی را آفریده است. در اینجا شاهد نقاشی مدرن هستیم.

به نظر شما آینده این موجی که فراگیر شده چیست؟ آن هم زمانی که افراد صبر و حوصله برای کار کردن خط سنتی را ندارند و سریعاً گریزی به نقاشی - خط می‌زنند.

زندگی امروزه و تغییراتی که در حال و هوای انسان‌ها و گوناگون شدن شرایط به وجود آمده، این گونه تغییر روش‌ها را نیز به همراه خواهد آورد. در این زمان است که شرایط ایجاب می‌کند که هنرمند آثار را ناخودآگاه برای جلب مخاطب به سمتی ببرد که حال و هوای مدرنیته به خود بگیرد. نمی‌توان به صورت صددرصدی برای این اتفاق متأسف بود چرا که زندگی، فرایند این دگرگونی سلیقه را به وجود آورده است. این مسئله در اکثر هنرها نمود دارد. برای مثال سبک هنرهای آوایی نسبت به گذشته حتی در سنتی هم دچار تغییراتی از جمله افزایش سرعت و ریتم و کوتاه شدن زمان هر قطعه موسیقی شده است. یا در فیلم‌ها، اکنون ما شاهد فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای هستیم در حالی که در گذشته، اکثر فیلم‌هایی با زمان‌های طولانی را شاهد بودیم. تمامی این تغییرات در ذهن و عمل هنرمند اثر خواهد گذاشت و شاهد تغییر



نمونه‌های قلم استاد مجید رستگار

سبک آثارش خواهیم بود. در این حال و هوای کاری، سبک سنتی به هنرمندان جوان کمک می‌کند تا افق‌های پیش‌رو را بهتر ببینند. مانند کودکی که بر دوش پدرش سوار شده و اطرافش را از ارتفاع بالاتری می‌نگرد در نتیجه دید وسیع‌تری خواهد داشت. انتخاب من در دوره حاضر آن بوده که به جای اختصاص دادن تمام وقت به نقاشی - خط، ساعت‌های زیادی را به نستعلیق مشغول باشم.

داشتن همسر هنرمند و تذهیب‌کار مزیت بزرگی است؛ این‌طور نیست استاد؟
البته که همسر مشغله‌های خودشان را دارند و من سعی می‌کنم کمکشان کنم و برایشان از نظر کاری مزاحمت ایجاد نکنم. همسرم سعیده زارعی فر، تذهیب‌هایی زیبا را برای من انجام می‌دهند.

استاد، شیب قلم‌های شما به چه صورت است؟
هنگامی که دانگ قلم بزرگ‌تر شود شیب هم تغییر می‌کند. در قلم‌های بزرگ‌تر شیب بیشتر و در قلم‌های کوچک‌تر شیب کمتر است.

کانون قلم شما چیست؟
من در همه اندازه‌ها می‌نویسم. اما به نظر خودم در قلم مشقی بهتر هستم. در کارها و آثارم بیشتر قطعه می‌نویسم که در آن ترکیب‌بندی انجام می‌دهم. سیاه‌مشق هم زیاد می‌نویسم و به فضا سازی‌های آن علاقه دارم.

در تراشیدن قلم چه نکاتی را مدنظر دارید؟
شیب قلم تند است. میدان قلم متوسط رو به بالاست. در هنگام تراش قسمت انسی را بیشتر و قسمت وحشی را کمتر برمی‌دارم. عمود قطع می‌زنم. زبانه قلم را با پوساب زدن (سمباده کشیدن) هلالی می‌کنم. در حقیقت در پشت‌برداری از طرف انسی بیشتر برمی‌دارم.

آثار چه کسانی را بیشتر مطالعه می‌کنید؟
میرزا اسدالله شیرازی و فتحعلی حجاب.

فقط آثار همشهری‌هایتان را می‌پسندید؟
شیراز ما آنقدر در گذشته خوشنویسان قدر داشته که گاهی من تعجب می‌کنم از اینکه پایتخت خوشنویسی را جاهای دیگری می‌گویند. البته امروزه ضعف‌هایی در شیراز وجود دارد. شاهدیم که جوانان خوشنویس شهرهای دیگر در این عرصه پرفروغ‌تر ظاهر می‌شوند.

از خوشنویسان معاصر چه کسانی را می‌پسندید؟
استاد شیرازی، استاد احصایی، استاد امیرخانی، استاد ملک‌زاده (در شکسته)، استاد جوادزاده (در نستعلیق).

دیدگاهتان در مورد مرحوم رضا مافی چیست؟
مافی از کسانی بود که در دوره خودش پیشرو بود و تفکرات و نگاه نابی داشت. از استعدادهای برجسته‌ای بود که متأسفانه زود از میان ما رفت.

خوشنویسان مطرح شیراز؟
استاد احسنت، استاد جنگانی، استاد روزگار، استاد معین‌خواه. در شیراز باید به هنر بیشتر توجه شود و بودجه هنری بیشتری به آن اختصاص یابد.

از حضورتان در این گفت‌وگو سپاسگزارم.

